

(۲)

دادگاه بین‌المللی دادگستری



محمدعلی طالقانی
کارآموز وکالت

پروژه کارآموزی حقوقی مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

عیت

لی دادگستری

بین‌المللی دادگستری رجوع کنند ،
رسیدگی بدعاوی بین دولتها و افراد، بین
لی را نمی‌پذیرد . شرط مندرج در بند

جهان
جهان

بشرح زیر

و آموزش
ضمن اعتقاد محترم خواهش می‌کنیم
علاجه چاپ شماره ۱۱۲ این مجله را

اول از ماده ۳۴ در رأی دادگاه در رسیدگی باختلاف بین دولتین ایران و انگلیس نقش قطعی داشت. در اختلاف بین دولتین مزبور که ناشی از ملی شدن صنایع نفت ایران در سال ۱۹۵۱ بود، دولت ایران دادگاه را صالح برای رسیدگی باختلاف بین دولت ایران و شرکت سابق نفت نمی دانست. دادگاه نظر ایران را قبول ورأی بعدم صلاحیت خود داد. یکی از دلایل دادگاه بر عدم صلاحیت خود برسیدگی باختلاف مزبور این بود که اگر چه قرارداد امتیاز استخراج نفت بکمک شورای جامعه ملل منعقد گردیده بود، از آنجا که دولت انگلستان طرف قرارداد نبود، قرارداد مزبور فاقد جنبه بین المللی بوده و دادگاه از رسیدگی بدان معذور است.

در صورت بروز هر گونه اختلافی درباره صلاحیت (۱) دادگاه، رأی خود دادگاه قطعی خواهد بود، ماده ۳۶، بند ششم. این تنها موردیست که صلاحیت دادگاه در آن باره بمعنای واقعی کلمه اجباری است.

در مواردی که اتباع دولتی در معاملات خود با دولت دیگر متحمل خساراتی گردیده باشند، تنها راه تأمین خسارت آنها این است که دول متبوع آنها از منافع آنان بعنوان حمایت سیاسی اتباع خود بر اساس حقوق بین الملل دفاع کرده امر را بدادگاه بین المللی داد کستری ارجاع دارند (مانند دعوی ایران و انگلیس).

اگرچه سازمانهای بین المللی حق مراجعه بدادگاه را ندارند، ولی سازمانهای بین المللی که از طرف ملل متحد مجاز بدرخواست رأی مشورتی دادگاه هستند، می توانند از طریق مذکور که کمتر مورد انکار واقع و تقریباً همیشه مطابق با آن رفتار شده است، استفاده نمایند. این مسئله شامل مواردی که اختلاف بین دولتی و یک سازمان بین المللی متضمن تفسیر یک اصل کلی ارزشمند باشد، نیز می شود، زیرا در این صورت اختلاف مزبور سبب می شود که سازمان طرف دعوا از حق رجوع به دادگاه برای اخذ رأی مشورتی استفاده نماید.

(1 Jurisdiction.

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد نیز حق دارد کلیه مسایل حقوقی ناشی از روابط بین کارگزاریهای اختصاصی و ملل متحدرا موضوع درخواست رأی مشورتی قرار داده از نظر دادگاه استفاده نماید.

در نظر مشورتی دادگاه صادر در سال ۱۹۴۹ راجع به تأمین خسارات وارده باعضای ملل متحد در حین خدمت (۱) دادگاه نظر داد که ملل متحد دارای «شخصیت حقوقی» بین المللی بوده می تواند برای تأمین خسارات وارده به آن علیه دول مسئول بدادگاه بین المللی دادگستری شکایت کند. در تعقیب نظر مزبور، دبیر کل ملل متحد علیه دول مسئول شکایت برد و هیچیک از دول خواننده بصلاحت دادگاه و یا بعرضه شکایت از طرف ملل متحد اعتراض نکردند.

رویه سیر حقوق بین المللی حاضر آنست که بسازمانهای بین المللی که دارای شخصیت حقوقی هستند، بایستی حق رجوع بدادگاه داده شود. شرط مندرج در بند اول از ماده ۳۴ از بقایای حقوق بین المللی گذشته است که در آن فقط دول دارای شخصیت حقوقی محسوب می شدند.

با آنکه اساسنامه دادگاه بین المللی دادگستری از شیوه فکری گذشته متأثر و لاجرم تنها دول را صالح برای حضور در دادگاه شناخته است، معذالك از تأثیر سازمانهای بین المللی - شخصیتهای حقوقی که پدیده های عصر ما هستند - بر کنار نمانده است. ماده ۳۴، بند دوم مقرر می دارد که دادگاه می تواند از سازمانهای بین المللی عمومی اطلاعاتی در باره دعاوی مطروح در آن دادگاه بخواهد. قسمت اخیر همین بند از ماده ۳۴ نیز بچنین سازمانهایی اجازه می دهد که بابتکار خود چنین اطلاعاتی را در اختیار دادگاه بگذارند. بعلاوه هر گاه در جریان رسیدگی باختلافی، اساسنامه يك سازمان بین المللی یا مقاوله نامه هایی که بر طبق آن اتخاذ گردیده است، مورد تفسیر قرار گیرد، مراتب با اطلاع سازمان مزبور رسیده و نسخه هایی از کلیه اظهارات طرفین و دادخواست های آنان برای سازمان مزبور فرستاده می شود.

1) 'Reparation for Injuries suffered' case; the advisory Opinion.

در تعقیب ماده ۳۴ که تنها دول را صالح برای حضور در دادگاه بین‌المللی دادگستری می‌داند، ماده ۳۵ این حق را منحصر بدولی می‌سازد که عضو دادگاه باشند. در این صورت تکلیف دولی که عضو دادگاه نیستند، چیست؟

در چنین موردی شورای امنیت شرایطی را که بر طبق آن چنین دولتی حق استفاده از دادگاه را خواهد داشت، وضع می‌نماید. این شرایط طوری خواهد بود که ایجاد عدم مساوات بین عضو جدید و اعضای دادگاه ننماید. شرایط موضوعه از طرف شورای امنیت (پانزدهم اکتبر ۱۹۴۶) برای استفاده دولی که اساسنامه دادگاه را نپذیرفته‌اند، عبارتست از: صدور اعلامیه ای دایر به قبول صلاحیت دادگاه بر حسب منشور ملل متحد و اساسنامه دادگاه و آیین‌نامه دادگاه، تعهد با انجام تصمیمات دادگاه با حسن نیت و قبول تعهدات مندرج در ماده ۹۴ منشور ملل متحد^(۱) و تقدیم چنین اعلامیه ای بدفتر دادگاه. این اعلامیه ممکنست مخصوص باختلاف مطروح باشد و یا بطور عام تنظیم شده و دعاوی مختلفی را در گذشته یا در آینده شامل شود^(۲). ولی این مسئله که دادگاه مخصوص دول است، بآن معنی نیست که هر کشور عضو ملل متحد و یا اساسنامه دادگاه مجبور بتسلیم

(۱) ماده ۹۴ منشور ملل متحد:

۱- هر عضو ملل متحد تعهد می‌کند که در هر دعوایی که یکی از طرفین آنست، بر طبق تصمیم دادگاه عمل نماید.

۲- هر گاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که بر حسب رأی دادگاه بر عهده اوست، سر باززند، طرف دیگر می‌تواند بشورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکنست در صورتی که ضروری تشخیص دهد، توصیه‌هایی نموده و یا برای اجرای رأی دادگاه تصمیم با اقداماتی بگیرد.

(۲) بر طبق بند دوم از ماده ۹۳ دولی که عضو ملل متحد نیستند، ولی مایلند عضو دادگاه باشند، با قبول شرایطی که شورای امنیت پیشنهاد و مجمع عمومی تصویب می‌نماید، عضویت دادگاه نایل می‌گردد. این شرایط برای نخستین بار در سال ۱۹۴۸ برای کشور سوئیس وضع گردیده و مطابق با شرایط موضوعه از طرف شورای امنیت (اکتبر ۱۹۴۶). کشورهای دیگر مانند لیتوانی، ژاپن (از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۵۶) - ۱۸ دسامبر که عضویت ملل متحد در آمد، و سان مارینو نیز با قبول همین شرایط عضویت دادگاه پذیرفته شدند.

دعوی خود با دولت دیگر بداد گاه می باشد. خیر، دادرسی بین المللی هنوز اجباری نیست و رأی داد گاه زمانی الزام آور است که طرفین دعوا با طیب خاطر دعوا یا دعاوی خود را بداد گاه تسلیم دارند، ماده ۳۶، بند اول. در این صورت تقبل صلاحیت از طرف داد گاه از صور زیر خارج نیست:

تراضی با رجاع دعوی خاص بداد گاه

در این صورت طرفین دعوا دفتر داد گاه را از موافقتی (۱) که برای ارجاع دعوی خاص بداد گاه بعمل آمده، مطلع ساخته و نتیجه خود را ملزم به پیروی از نظر داد گاه می نمایند. از این شیوه در ارجاع دعوی بداوری استفاده می شده و سابقه تاریخی دارد. در حالی که در دوره جامعه ملل از این روش استفاده بسیار می شده، در دوران کار ملل متحد و داد گاه بین المللی داد گستری توسط بآن چندان مورد علاقه ملل نبوده است.

تراضی با رجاع دعوا یا دعاوی خاص بداد گاه در ضمن قرارداد معین

دول امضا کننده يك قرار داد ممکنست جمله ای (۲) در متن قرارداد بگنجانند، دایر بر اینکه اختلافات ناشیه از اجرای قرارداد یا تفسیر از قرارداد مزبور بداد گاه احاله گردد. در این صورت طرفین قرارداد قبل از وجود اختلافی در مورد اجرا یا تفسیر قرارداد نامبرده صلاحیت داد گاه را برای رسیدگی بآن پذیرفته اند.

در دوره جامعه ملل و اوایل کار ملل متحد استفاده از چنین ماده ای در متن قراردادها بسیار رایج بود. انتقادی که از این روش بعمل آمده، اینست که درج چنین جمله ای در متن قراردادها یا مقاوله نامه ها ممکن است بائر و نفوذ آتی قرار داد یا مقاوله نامه ها صدمه بزند، باین ترتیب که ممکنست بسیاری از کشورها علاقه مند بامضای مقاوله نامه یا قراردادی باشند، ولی بعلل مختلف نخواهند

1) Compromis.

2) Compromissory clause.

دعاوی ناشیه از اجرای آن یا تفسیر آن را بلا شرط و قبل از بروز اختلاف بدادگاه احاله دارند. این اصل خاصه از طرف اتحاد جماهیر شوروی حمایت شده و نتیجه آن در «کنفرانس حقوق دریایی ژنو، ۱۹۵۸»^(۱) این شد که چنین جمله‌ای بصورت پروتکل جداگانه‌ای تهیه گردد تا دولتی که مایلند، آنرا قبول کنند و دول دیگر در رد یا قبول آن آزاد باشند.

قبول صلاحیت دادگاه ضمن اعلامیه یکجانبه

قبول صلاحیت دادگاه بطور یکجانبه و در طی اعلامیه‌ای از پدیده‌های نوین حقوق بین‌المللی بوده و از تازگیهای نظام بین‌المللی دوره جامعه ملل و اساسنامه دادگاه دایمی می‌باشد. در طی اعلامیه مزبور دولتها متقبل می‌شوند که خود بخود و بدون احتیاج بموافقنامه جدیدی طبقه یا طبقات خاصی از دعاوی را بشرط قبول چنین اعلامیه‌ای از طرف سایر دول بطور اجباری^(۲) بدادگاه بین‌المللی داد گستری احاله دارند. این صلاحیت اجباری که گاهی نظام جمله اختیاری^(۳) نامیده می‌شود، در اساسنامه دادگاه نیز پیش‌بینی گردیده و بند دوم از ماده ۳۶ اساسنامه مزبور مقرر می‌دارد: «۲- دول امضا کننده این اساسنامه ممکن است

1) Geneva Conference on the Law of the Sea, 1958.

2) Compulsory Jurisdiction.

این اصطلاح تا حدی جنبه اختیاری تقبل صلاحیت دادگاه را از طرف دول می‌پوشاند و از اینرو چندان دقیق نیست و پاره‌ای مؤلفین با بکار بردن آن موافقت ندارند. تنها پس از صدور اعلامیه مزبور و آنهم تا حدی که مقررات آن متقابلا از طرف سایر دول قبول گردیده است، برای دول اجبار احاله اختلافات بدادگاه پیش می‌آید. در صورت وجود اختلاف در متن اعلامیه دو دولت صلاحیت دادگاه تنها در مواردی که مشترك بین دو اعلامیه است، اجباری تلقی می‌گردد.

3) Optional clause.

این اصطلاح بحقیقت این تأسیس حقوقی نزدیکتر است، از آنرو که حاکمیت دول و قبول یارد صلاحیت دادگاه را از نظر آنان بهتر می‌رساند.

در هر زمانی صلاحیت دادگاه را بطریق اجباری و بطور خود بخود و بدون موافقت خاصی در مقابل هر دولت دیگری که چنین تعهدی را بپذیرد، درباره اختلافات حقوقی زیر قبول نمایند: الف - تفسیر يك قرارداد؛ ب - هر گونه مسئله حقوق بین الملل؛ ج - وجود هر واقعیتی که در صورت ثبوت متضمن نقض يك تعهد بین المللی باشد؛ د - نوع و میزان غرامتی که برای نقض يك تعهد بین المللی بایستی پرداخت گردد.

چنانکه از عبارت «در مقابل هر دولت دیگری که چنین تعهدی را بپذیرد» بر می آید، یکی از عناصر ذاتی چنین اعلامیه‌ای عمل متقابل^(۱) دیگر است. بنابراین برای اینکه دولتی بتواند از این اعلامیه برای رجوع بدادگاه استفاده کند، بایستی طرف اختلاف نیز اولاً چنین اعلامیه‌ای صادر کرده باشد و ثانیاً مفاد هر دو اعلامیه اختلاف فیما بین دولتين طرف اختلاف را در بر گیرد. این اعلامیه بایستی بدفتر دبیر کل ملل متحد ارسال گردد. دبیر کل ملل متحد نسخه‌ای از اعلامیه مزبور را برای سایر امضا کنندگان اساسنامه دادگاه و همچنین بدفتر دادگاه ارسال می‌دارد.

بند سوم از ماده ۳۶ اساسنامه مقرر می‌دارد که «اعلامیه مذکور در بالا ممکنست بلا شرط و یا بشرط معامله متقابل از طرف چند دولت و یا بعضی از آنها و یا برای مدت معینی بعمل آید». در صورتی که اعلامیه مزبور بدون هیچگونه شرط و یا بدون شرط معامله متقابل باشد، دولت مزبور را هر دولتی که اساسنامه دادگاه را قبول کرده باشد، می‌تواند اجباراً بدادگاه بکشد. ولی دولت صادر کننده چنین اعلامیه‌ای نمی‌تواند دولتی را که چنین اعلامیه‌ای را قبول نکرده یا دایره قبول

1) Reciprocity.

صلاحیت وی برطبق اعلامیه اش بسیار تنگتر از دولت نخست است،
بدادگاه بخواند.

اعلامیه قبول صلاحیت اجباری دادگاه معمولاً مقید بشروطی

است که ناشی از اوضاع و احوال خاص هر کشور می باشد. پاره ای از این شروط^(۱) در بسیاری از این اعلامیه ها دیده می شود؛ مانند شرط قبول صلاحیت اجباری دادگاه از تاریخ معین، یا قبول صلاحیت مزبور در مورد مسایلی که راه حل سیاسی برای آن پیدا نشده باشد. یکی از شروطی که مورد استفاده بسیار قرار گرفته است، شرط مستثنی بودن اموریست که در صلاحیت داخلی ممالک می باشد. درج چنین شرطی با وجود بند هفتم از ماده دوم منشور ملل متحد زاید بنظر می رسد. عدم دخالت در امور داخلی ممالک و ارجاع آنها بسازمانهای بین المللی و از جمله دادگاههای بین المللی مورد قبول میثاق جامعه ملل نیز بود. بند هشتم از ماده ۱۵ میثاق جامعه ملل مقرر می داشت که رسیدگی به «اموری که برطبق حقوق بین الملل فقط در صلاحیت داخلی ممالک می باشد»، از صلاحیت جامعه ملل خارج است. این قسمت از میثاق جامعه ملل با مختصر تغییری در بند هفتم از ماده دوم منشور ملل متحد گنجانیده شده است. برطبق بند هفتم از ماده دوم منشور ملل متحد سازمان ملل متحد مجاز بدخالت در «اموری که اساساً جز صلاحیت ملی هر دولتی است»، نمی باشد. چنانکه ملاحظه می شود، تعیین اینکه آیا موضوعی وارد در صلاحیت داخلی مملکتی است یا خیر، بعبارت دیگر معیار سنجش در میثاق جامعه ملل حقوق بین المللی است، در صورتیکه این قسمت از بند هفتم ماده دوم منشور ملل متحد حذف گردیده است. این موضوع سبب گردیده است که پاره ای دول در اعلامیه

1) Reservations.

قبول صلاحیت اجباری دادگاه مقرر دارند که « موضوعاتی که داخل در صلاحیت ملی آنهاست... »، بر طبق تصمیم خود آنها از مستثنیات اعلامیه‌های مزبور می‌باشد. این نوع استثنایها که در دوران رواج داوری مورد علاقه دول بود، مورد انتقاد شدید قرار گرفته است، زیرا در حالی که بموجب اعلامیه صلاحیت اجباری دادگاه مورد قبول قرار می‌گیرد، بموجب این استثناء تصمیم اینکه آیا امر مزبور قابل ارجاع بدادگاه بین‌المللی است یا خیر، بعهده خود دول واگذار می‌گردد. امروز عقیده عمومی حقوقدانان بر اینست که این چنین استثنایهایی مغایر ذاتی اعلامیه بوده ارزشی ندارد و از اینرو دول بسیاری از درج چنین استثنایها در اعلامیه‌های خود چشم‌پوشی کرده‌اند. با وجود استثنایهای متعدد، مندرج در اعلامیه‌های قبول صلاحیت اجباری، صلاحیت دادگاه در بسیاری از موارد و از جمله در پاره‌ای از مهمترین دعاوی مطروح در دادگاه، از جمله دعوای ایران و انگلیس، بر اساس اعلامیه قبول صلاحیت اجباری دادگاه فرار داشته است^(۱).

تقبل قضایی صلاحیت از طرف دادگاه

هر گاه دولت خواهان^(۲) بدادگاه رجوع نماید و دولت خواننده^(۳) در حالی که ظاهراً بصلاحیت دادگاه اعتراض می‌نماید، در صدور جوابگویی به ماهیت^(۴) دعوا بر آید و جوابگویی بماهیت دعوا از حدود اعتراض بصلاحیت دادگاه خارج گردد، دادگاه آنرا تقبل ضمنی صلاحیت دادگاه از طرف خواننده محسوب داشته بصلاحیت خود برای رسیدگی

1) See the World Court, p. 96. Also, for the text of the Iranian declaration, see: I. C. J. Yearbook 1946 - 47, p. 211.

2) The 'plaintiff' state or the applicant.

3) The 'defendant' state or the 'Respondant'.

4) Pleading on the 'merits'.

بدعوای مزبور رأی خواهد داد. بهترین نمونه اینگونه استدلال قضایی در دعوی معروف به «کانال کورفو»^(۱) پیش آمد که در طی آن دادگاه با وجود اعتراضات ظاهری خواهان (آلبانی) بصلاحیت دادگاه خود را صالح برای رسیدگی تشخیص داد.

۴

طرز رسیدگی دادگاه بین المللی دادگستری

دادگاه بین المللی دادگستری رسیدگی خود را بدو گونه آغاز می کند:

۱- هنگامی که طرفین دعوی موافقتنامه مخصوصی اختلاف خود را بدادگاه ارجاع می کنند. در این صورت اختلاف مذکور قبلاً با موافقت طرفین مختصراً، ولی با دقت خاص تنظیم گردیده و رأی دادگاه بصورت جوابی به پرسش طرفین در می آید. مثلاً دولت فرانسه و انگلستان طی پرسش از دادگاه خواستند حاکمیت بر جزایر کوچک کانال مانش را بنفع احد از طرفین اعلام دارد^(۲). حسن این روش اینست که صلاحیت دادگاه ضمناً قبول گردیده و طرفین به رای دادگاه گردن می نهند.

۲- تقدیم اظهارنامه^(۳) از طرف خواهان بدادگاه. اظهارنامه بایستی منحصراً حاوی نام طرفین دعوی، چگونگی ادعا^(۴)، صلاحیت دادگاه و شرح مختصری از اختلاف و حقایق موجود درباره آن باشد. محتوی مختصر اظهارنامه ضمن اظهارات^(۵) بعدی طرفین بتفصیل بدادگاه تقدیم می گردد. زبانهای رسمی دادگاه که اظهارنامه و کلیه

1) 'Corfu Channel' case.

2) The World Court, p. 101.

3) Application.

4) Claim.

5) Pleadings.

اظهارات باید به آن زبان تنظیم گردد، زبان فرانسه و انگلیسی خواهد بود، ماده ۳۹ اساسنامه. در صورتی که طرفین بخواهند، تمامی جریان دعوا بزبان فرانسه یا انگلیسی خواهد بود. در صورتی که دادگاه استعمال زبان دیگری را مجاز دارد، کلیه اظهارات بایستی بیکی از زبانهای رسمی دادگاه ترجمه گردد و نسخه‌ای از آن پیوست نسخه اصلی باشد. در مورد اظهارات شفاهی که بزبان فرانسه یا انگلیسی نیست، اطراف دعوا بایستی خود ترتیب ترجمه آنرا بدهند.

طرفین دعوا برای رسیدگی و جریان دعوی خود در دادگاه معمولاً نماینده (۱) انتخاب می‌نمایند. نماینده مزبور که مسئول عرضه دعوا در دادگاه است، معمولاً سفیر کبیر دولت خواهان و خواننده در لاهه و یا مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آنها می‌باشد. اظهارنامه بایستی بامضای نماینده برسد و در صورتی که وی شخص سفیر کبیر دولت خواهان در لاهه نباشد، سفیر مزبور بایستی امضای وی را تصدیق (۲) نماید. دولت خواننده نماینده خود را همراه با اعلام وصول نسخه دادخواست از طرف دادگاه و یا در اولین فرصت ممکن انتخاب خواهد کرد. رئیس دادگاه پس از دریافت اظهارنامه، نماینده‌های طرفین را ملاقات و با آنها تماس گرفته از نظر آنان در باره اداره دعوا مستحضر گردیده و نخستین تصمیم خود را در باره ضرب الاجلی که در طی آن دادخواست (۳) و لایحه جوابیه (۴) بایستی بدادگاه برسد، می‌گیرد. دادخواست باید شامل کلیه حقایق مربوط بدعوا و قانون رفع ترافع باشد. لایحه جوابیه نیز باید مفصلاً شامل اظهارات خواننده و قبول یارد وقایع یا حقایق و یا قانون مورد استناد خواهان از طرف وی باشد.

طرفین می‌توانند از دادگاه تقاضای **تمدید مدت** نمایند و در این صورت

- 1) Agent.
- 2) Authenticate.
- 3) Memorial.
- 4) Counter-memorial.

دادگاه با موافقت طرف دعوا بتمدید ضرب الاجل تصمیم می گیرد . تمدید ضرب الاجلهای مزبورگاهی برای آماده کردن محیط سیاسی پیرامون اختلاف درخواست می شود و طرف دیگر دعوا با توجه باین موضوع تصمیم بموافقت یا مخالفت و یا موافقت با تمدید کوتاه تری می گیرد . معمولا فاصله بین تقدیم اظهارنامه خواهان و دادخواست وی چندان زیاد نیست، زیرا دولتی که بدادگاه توسل می جوید، قبالرئوس مطالب وسود و زیان ناشی از رجوع بدادگاه رامورد توجه قرار داده است. در هر دو مورد، دادخواست ولایحه جوابیه آن، بایستی کلیه اسناد مربوط بدعوا ضمیمه گردد .

دادخواست و جواب دادخواست بلافاصله بطرف دعوا ابلاغ می گردد . همچنین کلیه اعضای ملل متحد با ارسال نسخه ای برای آنها از اظهارات طرفین مطلع می گردد. خواننده می تواند بجای جوابگویی بدادخواست متوسل به ایرادات مقدماتی^(۱) گردد. این ایرادات ممکنست راجع به صلاحیت دادگاه^(۲)، عدم شمول اختلاف مورد گفتگو در اطلاعیه، تقبل صلاحیت اجباری خواهان یا خواننده

1) Preliminary objections.

۲) در صورت اعتراض بصلاحیت دادگاه، دادگاه بدان رسیدگی و بیکی از طرق زیر تصمیم می گیرد :

۱- اعتراض بصلاحیت دادگاه را وارد دانسته خود را صالح برسیدگی نمی داند، نگاه به دعوی ایران و انگلیس .

۲- اعتراض را وارد ندانسته و خود را صالح برسیدگی تشخیص و رسیدگی را آغاز می نماید، نگاه به دعوی کانال کورفو - انگلستان و آلبانی .

۳- رسیدگی بااعتراض بصلاحیت دادگاه بواسطه نزدیکی آن برسیدگی بماهیت دعوا تا رسیدگی بماهیت دعوا بتأخیر می افتد. در این صورت دادگاه باید قبل از ورود به رای درماهیت دعوا (پس از رسیدگی بااعتراض بصلاحیت و رسیدگی بماهیت) تکلیف صلاحیت را اعلام نماید - و در این صورت امر راجع است بشق اول و یا دوم از طرق رسیدگی بااعتراض بصلاحیت دادگاه .

لازم بتذکر نیست که صلاحیت دادگاه تنها در مورد رسیدگی بااعتراض بصلاحیت دادگاه بمعنای واقعی کلمه اجباریست، بند سوم ماده ۳۶ اساسنامه دادگاه .

و امثال آنها باشد. در اینصورت خواهان حق دارد باین ایرادات جواب گوید و برای این موضوع مدتی معین می گردد. پس از استماع ایرادات اولیه دادگاه تصمیم بادامه یا قطع دادرسی می گیرد. ایرادات اولیه از وقایع ضمنی دادرسی بوده و باعضای ملل متحد، جز باوصول یادداشتی دایر بر ارسال آن، اطلاع دادند نمی شود.

تنها پس از مبادله دادخواست و لایحه جوابیه است که دعوا بطور کلی و بوضوح شناخته می شود. در این حالت دولت خواهان پس از دریافت لایحه جوابیه اقدام به پاسخ (۱) بلا لایحه جوابیه می نماید. پس از وصول پاسخ به خواننده دولت خواننده اقدام بر ارسال لایحه جوابیه دوم (۲) می نماید. پاسخ و لایحه جوابیه دوم مهمترین اسناد مبادله شده در دعوا می باشند. در کلیه این اسناد طرف تقدیم کننده سند خواسته (۳) را نیز می گنجاند، یعنی از دادگاه می خواهد که بطرز خاصی اظهار نظر نماید.

پس از تکمیل قسمت کتبی پرونده و ملاحظه و مطالعه آن از طرف دادرسان استماع (شفاهی) دعوا شروع می شود. پس از شروع رسیدگی شفاهی هیچگونه سند کتبی دیگری قبول نمی گردد، مگر با رضایت طرف دیگر دعوا و در صورتی که دادگاه تصمیم بگیرد که سندی را پس از تقدیم لایحه جوابیه دوم قبول نماید، بطرف دیگر لزوماً حق توضیح بر آن داده می شود، ماده ۴۸ آیین نامه دادگاه.

در خاتمه اظهارات شفاهی، اصحاب دعوا خواسته نهایی خود را اعلام می نمایند و مذاکرات شفاهی پایان می یابد. جلسات دادگاه علنی (۴) خواهد بود، مگر اینکه دادگاه و یا اصحاب دعوا نظر دیگری داشته باشند، ماده ۴۶ اساسنامه دادگاه.

- 1) Reply.
- 2) Rejoinder.
- 3) Submission.
- 4) Public.

شهود و کارشناسها

هر گاه احد از طرفین دعوا بخواهد در مسئله‌ای شاهد^(۱) بداد گاه بخواهد و یا امری را به کارشناس^(۲) رجوع نماید، بایستی قبل از شروع دادرسی شفاهی فهرستی از اسامی و محل اقامت و نحوه استفاده از آنها را بداد گاه تقدیم دارد. شهود «بشرف و وجدان خود سوگند یاد می کنند که حقیقت را بگویند، تمامی حقیقت را بگویند و جز حقیقت نگویند». کارشناسان نیز در حضور دادگاه «بشرف و وجدان خود سوگند یاد می کنند که اظهارات آنها بر طبق عقیده صمیمانه» آنها باشد، ماده ۵۳ آیین نامه .

هر گاه شاهد و یا کارشناس را دادگاه احضار کرده باشد، حق الزحمه آنها از صندوق دادگاه پرداخت خواهد شد. گزارش کارشناسان و هیئت تحقیق با صاحب دعوا ابلاغ خواهد شد.

همچنین بر طبق بند سوم از ماده ۵۷ آیین نامه دادگاه، قبل از خاتمه دادرسی شفاهی دادگاه می تواند بمیل خود^(۳) و یا بنا بدرخواست کتبی اصحاب دعوا و بر طبق ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه، از سازمانهای بین المللی بخواهد که اطلاعات مرتبط با دعوای مطروح در دادگاه را در اختیار دادگاه بگذارند. درباره اینکه آیا اطلاعات مزبور بایستی کتباً تقدیم دادگاه گردد و یا شفاهاً بعرض دادگاه برسد، خود دادگاه تصمیم خواهد گرفت.

قرار موقت

بموجب ماده ۴۱ اساسنامه دادگاه می تواند برای حفظ حقوق طرفین دعوای مطروح بمیل خود و یا بنا بدرخواست اصحاب دعوا قرار تأمین^(۴) (قرار موقت حفظ حقوق اصحاب دعوا) صادر نماید. دادگاه در مورد چنین درخواستهایی

1) Witness.

2) Expert.

3) Proprio motu.

4) Interim measures of protection ; in domestic courts :
interim injunctions.

بفوریّت اقدام نموده آنرا با اطلاع شورای امنیت می‌رساند. در صورت رد درخواست صدور قرار از طرف دادگاه، طرف درخواست‌کننده می‌تواند در صورت ظهور دلایل تازه که ضرورت صدور قرار را ثابت کند، تقاضای مجدد صدور قرار از دادگاه بنماید. در دعوی ایران و انگلیس دادگاه بدرخواست دولت انگلیس قرار تأمین برای حفظ منافع کمپانی نفت انگلیس صادر کرد، ولی اجرای آن در اثر عدم اجرای قرار از طرف دولت ایران و عدم علاقه شورای امنیت با اجرای آن عملی نگردید، ماده ۶۱ آیین‌نامه دادگاه.

۵

رأی دادگاه

پس از خاتمه اظهارات شفاهی طرفین دادگاه ختم دادرسی را اعلام می‌نماید. سپس دادرسان دادگاه فرصت دارند که پرونده را ملاحظه نمایند. پس از ملاحظه پرونده دادرسان به شور (۱) می‌پردازند. قسمتهای مختلف خواسته بصورت سئوالات معین درآمده و رئیس و دادرسان دادگاه نظر خود را درباره آن ابراز می‌دارند. رأی دادگاه (۲) رأی اکثریت قضات خواهد بود. پس از خاتمه شور هیئتی مرکب از رئیس دادگاه (بواسطه مقام (۳) وی) و دو دادرس دیگر که برای مخفی دادگاه انتخاب می‌گردند، متن رأی را تهیه می‌نمایند. هر يك از قضات که با تمام یا قسمتی از پیش‌نویس رأی موافق نباشد، می‌تواند نظر خود را جداگانه اعلام دارد، ماده ۵۷ اساسنامه دادگاه. نظر جداگانه در صورت توافق با آرای اکثریت قضات رأی جداگانه (۴) و در صورت مخالفت با رأی اکثریت دادرسان رأی مخالف (۵) نامیده می‌شود.

- 1) Deliberations .
- 2) Judgment.
- 3) Ex officio.
- 4) Separate opinion.
- 5) Dissenting opinion.

شکل رأی دادگاه بین‌المللی ترکیبی است از نظام حقوق اروپایی (نوشته)
و حقوق عرف انگلیسی^(۱). رأی دادگاه بصورت رأی واحدی اعلام می‌گردد
و نظر دادگاه نظراً کثرت دادرسان آنست که شباهت بنظام حقوق اروپایی دارد
که در آن رأی دادگاه پس از مشورت به صورت رأی واحدی در می‌آید. در
این حال به پیروی از نظام حقوق عرف که در آن هر يك از قضات نظر خود را مجدداً
اعلام می‌دارد، قضات دادگاه بین‌المللی دادگستری نظر خود را جداگانه اعلام
می‌دارند. از آنجا که قضات دارای عقیده متفاوت از نظر اکثریت دادگاه مجبور
بایراد نظر جداگانه‌ای نیستند و فقط در صورتی که بخواهند، می‌توانند چنین
رأیی بدهند، همیشه تشخیص اینکه چه قضاتی رأی اکثریت را تشکیل داده‌اند،
کار آسانی نیست.

علاوه بر ارزش رسمی رأی دادگاه، ارزش حقوقی، نظری و معنوی رأی
دادگاه بستگی کامل بچگونگی ترکیب قضاتی که طرفدار اکثریت بوده و یا نظر
مخالف اظهار داشته‌اند، دارد. بدین ترتیب هر گاه دادگاه با توافق آرا و یا با اکثریت
زیاد رأی خود را انشا نماید، اثر آن بمراتب بیشتر از موردیست که تعداد آرای
اکثریت و آرای مخالف فرق چندانی نداشته و یا نظر دادگاه بستگی برای قاطع
رئیس دادگاه داشته است. همچنین اگر رأی مخالف از طرف يك یا چند نفر از
قضات برجسته و معروف بین‌المللی که نظر آنان در محافل حقوق بین‌الملل دارای
ارزش فوق‌العاده است، تقویت گردد، نظر مزبور دارای ارزش بسیار خواهد بود.
شور در دادگاه بترتیب خلاف ارشادیت قضات انجام می‌گیرد. در صورت
تساوی آرا رأی رئیس دادگاه قاطع خواهد بود، ماده ۵۵ اساسنامه دادگاه.
رأی دادگاه در جلسه علنی دادگاه قرائت گردیده بامضای رئیس و مدیر دفتر
دادگاه می‌رسد، ماده ۵۸ اساسنامه دادگاه. تاریخ تشکیل جلسه علنی برای صدور
رأی بایستی باستحضار نمایندگان طرفین دعوا برسد. يك نسخه مصدق رأی برای
هر يك از طرفین دعوا ارسال می‌گردد و نسخه ثالثی برای دادگاه حفظ می‌شود.

1) Continental System ; Common Law System.

همچنین نسخه‌ای از رأی دادگاه برای اعضای ملل متحد و هر دولتی که حق حضور در دادگاه دارد، ارسال خواهد شد، ماده ۷۵ آیین‌نامه دادگاه. رأی دادگاه بایستی مستند بوده و نام قضاتی را که در رأی شرکت کرده‌اند، شامل باشد، ماده ۵۶ اساسنامه دادگاه، برای مطالعه جزئیات رأی دادگاه ماده ۷۴ آیین‌نامه دادگاه. رأی دادگاه از روز قرائت آن در دادگاه علنی برای طرفین دعوا الزام‌آور خواهد بود.

۶

تجدید نظر در رأی دادگاه

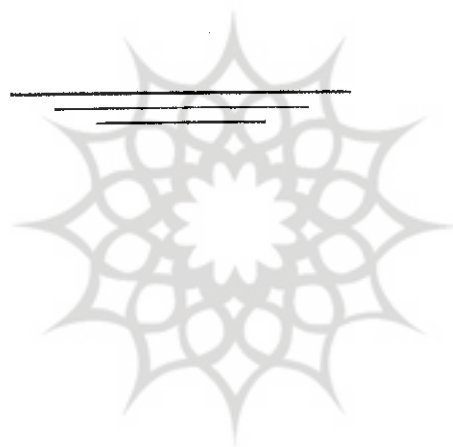
رأی دادگاه نهایی است و پژوهش از آن ممکن نیست و در صورت بروز اختلاف درباره تفسیر یا اجرای رأی دادگاه، دادگاه می‌تواند بدرخواست هر یک از طرفین دعوا به تفسیر رأی صادر بپردازد.

تقاضای تفسیر رأی صادره از طرف دادگاه یا بموجب موافقت خاص طرفین است و یا بصورت درخواست می‌باشد. در صورت اخیر نسخه درخواست تفسیر رأی دادگاه برای طرف دعوا فرستاده می‌شود. تفسیر رأی صادر از طرف دادگاه توسط دادگاه و تفسیر رأی صادر از طرف شعب دادگاه توسط خود آن شعب انجام می‌گیرد. تصمیم دادگاه داین بقبول یارد تقاضای تفسیر رأی بصورت رأی دادگاه صادر می‌شود.

در صورتی که پس از صدور رأی دادگاه حقایق و اسنادی کشف گردد که وجود آنها در حین دادرسی بر دادگاه معلوم نبوده و طرف درخواست کننده تجدید نظر در رأی دادگاه نیز از آن بی اطلاع بوده است، بدرخواست طرفی که فکر می‌کند کشف اسناد و مدارک جدید در رأی دادگاه مؤثر است، دادگاه در صورت قبول درخواست تجدید نظر به تجدید نظر در رأی^(۱) می‌پردازد. از شرایط قبول این درخواست یکی آنست که جهل طرف متقاضی بوجود حقیقتی و یا مدارک و سندی که مورد استفاده قرار خواهد گرفت، معلول مسامحه و سهل-

1) Revision of a judgment.

انکاری^(۱) او نبوده باشد. دودیکر آنکه درخواست تجدید نظر در رأی دادگاه بایستی در عرض شش ماه از کشف وقایع یا تحقیق یا اسناد جدید صورت گیرد. در هر صورت پس از مرور زمان ده سال از تاریخ صدور رأی هیچگونه درخواستی برای تجدید نظر در آن پذیرفته نیست، مواد ۶۰ و ۶۱ اساسنامه دادگاه و ۷۸، ۷۹، ۸۰ و ۸۱ آیین نامه دادگاه.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

این لغت ارزش و اهمیت خاصی در حقوق عرف دارد. 1) Negligence.